

به بهانه انتشار دیوید کاپرفیلد اثر چارلز دیکنز بعد از ۶۰ سال در ایران



برنامه‌های وزیر پیشنهادی فرهنگ

برنامه‌های سیدعباس صالحی، وزیر پیشنهادی مسعود پزشکیان برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ۹ صفحه منتشر شد. فارس ضمن اعلام این خبر نوشت، سیدعباس صالحی در اولین جلسه کمیسیون فرهنگی در رابطه با کلیات برنامه‌های وزارت ارشاد توضیح داد و روز چهارشنبه، ۲۴ مردادماه در دومین جلسه خود با این کمیسیون برنامه‌اش را در ۹ صفحه به مجلس ارائه کرد. کلیات این طرح ذیل ۴ موضوع تعریف می‌شود که عبارت از: مردمی‌سازی و عدالت فرهنگی، رونق اقتصاد فرهنگ و توسعه صادرات فرهنگی، کاربست فناوری‌های نوین برای بهبود تنظیم‌گری و مقررات‌گذاری و پاسداری و تقویت اصالت و هویت ایرانی-اسلامی است. وزیر پیشنهادی فرهنگ و ارشاد اسلامی مسعود پزشکیان به مجلس، در حال حاضر به‌عنوان مدیرمسئول مؤسسه و روزنامه اطلاعات و رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی فعالیت می‌کند.



لغو اجرا به دلیل صحبت از غزه

ارکستر سمفونیک ملیورن اجرای آتی یک پیاپیست تحسین شده را پس از تقدیم یک قطعه به خبرنگاران قربانی در غزه لغو کرد. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، جیسون گیلهام، پیاپیست استرالیایی-بریتانیایی قرار بود همراه با ارکستر سمفونیک در تالار شهر ملیورن قطعاتی از موتزارت و برامس را اجرا کند، اما نام این نوازنده از وبسایت ارکستر سمفونیک ملیورن حذف شده است. بلیت‌های این اجرا هنوز در دسترس اند، اما یادداشتی با عنوان «به‌روزرسانی جدیدی از این برنامه به‌زودی اعلام خواهد شد»، در وبسایت ارکستر سمفونیک ملیورن ظاهر شده است. به گزارش گاردین، در ایمیلی که برای مخاطبان ارسال شده، ارکستر سمفونیک ملیورن اعلام کرده است که گیلهام به‌دلیل یکسری سخنان مقدماتی که در کنسرت قبلی بیان کرده است، دیگر اجرا نخواهد داشت. گیلهام در کنسرت قبلی خود تعدادی آهنگ از جمله اولین اجرای جهانی قطعه پنج‌دقیقه‌ای «Witness» را به روزنامه‌نگاران غزه تقدیم کرد.



صداوسیما جلوی ساز، گل نگذارد

دبیر شورای عالی هنر روز سه‌شنبه، ۲۳ مردادماه به‌منظور تشریح برخی جزئیات سند ملی بالادستی، نشست برگزار و درباره سند ملی موسیقی کشور نکاتی را مطرح کرد. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، محمدحسین ایمانی خوشخو در این نشست از قانونی نبودن نمایش ساز در تلویزیون و قانونی نبودن لغو کنسرت‌ها در شهرهای گوناگون، در پی تصویب سند ملی موسیقی کشور خبر داد. قوانینی که باید منتظر ماند و دید چه میزان از ضمانت‌اجرائی برخوردارند. از جمله نکات مهمی که ایمانی خوشخو در این نشست خبری به‌طور صریح و مشخص درباره موسیقی مطرح کرد این بود که از این پس دیگر هیچ دستگاهی حق لغو کنسرت ندارد، صداوسیما باید موسیقی را با تمام ملزومات صحنه‌ای نمایش دهد و دیگر نمی‌تواند گل جلوی ساز بگذارد. ضمن اینکه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، حکم قانونی دارد و همه مصوبات اجرا خواهند شد.

ادبیات پیدا کرد. بعد است که هیچ خواننده‌ای حدس بزند و شاید حتی خود نویسنده نیز به‌طور کامل تصدیق نکرده باشد که داستان عاشقانه‌ی جذاب دودی و دورا در «دیوید کاپرفیلد» حاوی رگه‌هایی از عاشقانه‌های جوانی خود دیکنز و احساسات ناگفته‌ی ناامیدی است. مضمون «همیشه خواستن چیزی» در روایت ممکن است منعکس‌کننده تجربیات و احساسات شخصی دیکنز باشد که آشکارا بیان نشده است. اما برای تأثیرپذیری از یک عنصر شخصی یا زندگی‌نامه‌ای در یک داستان یا شعر، به‌هیچ‌وجه لازم نیست که از جزئیات خاص و شخصیت واقعی آن و حتی وجودش آگاه باشیم. افزودن یادداشت‌های توضیحی درباره‌ی تجربیات خانم فیلدینگ توسط «آمیلیا»، درک یا قدردانی از شخصیت آمیلیا را در زمان افزایش نمی‌دهد. برای برانگیختن در یک اثر داستانی، نوع خاصی از علاقه، وجود یک زیرلایه‌ی زندگی‌نامه‌ای نباید در آن آشکار باشد و حتی نیازی به وجود آن نیست. ضروری است که عناصر شخصی در یک رمان به‌طور یکپارچه در روایت کلی ادغام شوند و یک کل هنری منسجم ایجاد کنند. در مورد «دیوید کاپرفیلد»، دیکنز با موفقیت خاطرات شخصی خود را با تداعی‌های محلی مختلف آمیخت و در نتیجه اثری هنری به وجود آورد که یکی از کامل‌ترین خلاقیت‌های او به‌حساب می‌آید. تجربیات شخصی عمیق نویسنده به‌طور هماهنگ با تأثیرات محلی قدیمی و جدید در هم آمیخته است و غنا و عمق داستان‌سرایی را افزایش داده است. یارموت - که در «دیوید کاپرفیلد» با دقت شاعرانه قابل توجهی به تصویر کشیده شده است - مکانی بود که دیکنز در طول تعطیلات از آن بازدید کرده بود. با وجود این، تخیل او به‌طرز ماهرانه‌ای واقعیت را با داستان

معرفی کتاب

دیوید کاپرفیلد
نویسنده: چارلز دیکنز
مترجم: احد علیقلیان
انتشارات: مرکز
قیمت: ۹۸۵ هزار تومان



بی‌خبر بودند. این موضوع لایه‌ای از عمق و حساسیت به روایت اضافه کرد که بسیاری را تحت‌تأثیر قرار داد. خوانندگان نمی‌توانستند که دیکنز مطمئناً بداند که برخی از زنده‌ترین تجربیات او در شخصیت آقای ویلکینز میکاوبر منعکس شده است. این تجربیات با وجود این که با طنزی بازگوشانه همراه بود، اهمیت شخصی عمیق‌تری برای دیکنز داشتند. شخصیت آقای ویلکینز میکاوبر - که توسط دیکنز با طنز به تصویر کشیده شده است - از تجربیات و افراد واقعی الهام گرفته شده است. جالب اینجاست که در حالی که شخص اصلی پشت میکاوبر آرام به پایان زندگی خود نزدیک می‌شد، شخصیت داستانی محبوبیت و جاودانگی ماندگاری در دنیای



زینب کاظم‌خواه
خبرنگار گروه فرهنگ

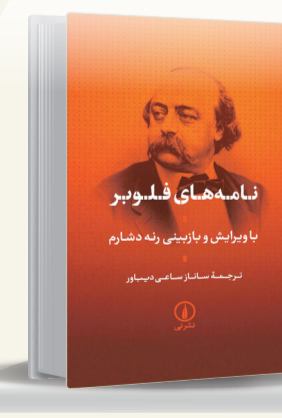
کتاب «دیوید کاپرفیلد»، اثر چارلز دیکنز به‌تازگی با ترجمه‌ی احد علیقلیان از سوی نشر مرکز منتشر شده است. این کتاب بیش از چهار دهه پیش با ترجمه مسعود رجب‌نیا، از سوی انتشارات امیرکبیر منتشر شده بود. طی سال‌های گذشته مترجمان بسیاری این کتاب را ترجمه کرده‌اند که بعضی از آن‌ها تلخیص شده برای کودکان و نوجوانان بوده است و برخی هم کتاب مصور. یکی از این ترجمه‌ها برای نوجوانان، ترجمه‌ی مهدی سبحانی است که از سوی نشر مرکز منتشر شده است. محسن سلیمانی، ثریا نظمی، شهرزاد امینیان، لیلا سبحانی، فریده نونال، الهام قادریان، محمدرضا جعفری، آرمین هدایتی و... تعدادی از مترجمانی هستند که این اثر دیکنز را به فارسی برگردانده‌اند. به بهانه انتشار ترجمه احد علیقلیان نوشته آدولف ویلیام وارد را آورده‌ایم.

چیزی که دیکنز را به‌سمت «دیوید کاپرفیلد» کشاند و خوانندگان را مجذوب خود کرد، جنبه اتوبیوگرافیک داستان است. قبل از انتشار «زندگی آینده» فورستر، خوانندگان از آسیب‌های عاطفی‌ای که دیکنز برای افزایش تجربیات شخصی خود در این رمان - که تا آن زمان عمدتاً پنهان نگه داشته بود

خوش‌فرم و چشم‌های نافذ، از خلال درز پنجره‌های کلبه‌اش به ملال دنیا نگاه می‌کرد و احساس غریبی را با چند دوست همفکر و هم‌چراغ تخفیف می‌داد و تمام این غریب و ملال دائم را توی آثارش می‌ریخت. آثاری که از پس گذر زمانی طولانی، هنوز هم برای انسان‌های ملال‌زده و غریبه با اوضاع جهان، سخت آشنا و خودمانی به‌نظر می‌رسند. انگار چیزی از فلور و جهانش، به‌شدت به کام ما و جهان فعلی‌مان خوش می‌آید. همان ابتذال، پوچی و گرفتار بلاهت بودن انگار از گذر فرانسه اواسط قرن ۱۹ تا همین دوران ادامه یافته و دوام آورده است. خواندن نامه‌هایش، خواندن نوشته‌هایی شاید بی‌تکلف از تفکرات روزمره‌ی خالق مادام بواری، تربیت احساسات و سلاامبو و نامه‌های نویسنده‌ای به عظمت فلور به این می‌ماند که در زوایای یکی از پنجره‌های خانه‌ی روستایی‌اش به تویخزی، توی یادداشت‌های اثر در حال نوشتنش که قرار است پس از انتشار پایش را به دادگاه باز کند، سرک بکشی و از جوانب پنهانی آثارش مطلع شوی. اصلاً شبیه به گوشه‌ای از زندگی او مخفی شدن و در احوال روزمره او سرک کشیدن است و شاید هم راهی برای تفسیر بهتر و فهمی زندگینامه‌ای از متن آثار سراغ‌شان می‌روند. اما نامه‌های گوستاو فلور در عین همه این موهبت‌ها، مزیت بزرگ دیگری هم دارد: نویسنده‌ای که به‌طرزی به‌شدت وسواسی درگیر سبک، فرم و قالب اثر بود و گاهی مدت‌های طولانی را صرف پیدا کردن نامی مناسب برای یکی از

معرفی کتاب

نامه‌های فلوربر
ویرایش و بازبینی: رنه دشارم
مترجم: ساناز ساعی‌دیباور
انتشارات: نی
قیمت: ۲۶۰ هزار تومان



نامه‌های مردی دل‌زده از جهان

درباره «نامه‌های فلوربر» با بازبینی و ویرایش رنه دشارم



سعید صدقی
مروزیس

«بله، از روزنامه عمیقاً بیزارم، بیزارم از هر چیز زودگذر و ناپایدار، بیزارم از چیزی که الان مهم است و فردا نه...» نوشتن معرفی برای اثری از مردی که از روزنامه متنفر بود آن‌هم در یک روزنامه، کمی عجیب به‌نظر خواهد رسید! شاید مفهوم روزنامه که امروز در ذهن ما شکل گرفته، با چیزی که فلوربر حین نوشتن جمله‌های بالا در سال ۱۸۴۶ به آن اشاره داشت، فرق کرده باشد. اما جهانی که آن‌همه از آن دل‌زده و شاک‌ی بود با جهان فعلی چقدر متفاوت شده است؟ اگر فلوربر این‌روزها می‌زیست، چه نسبتی با وضعیت حاکم بر دنیا می‌داشت؟ بله، احتمالاً به همان مسیری می‌رفت که در شبی از شب‌های سپتامبر ۱۸۴۶ به لویی کوله‌ی

محبوب‌اش راجع به آن نوشته بود: «...دیگر خیلی وقت است که به این نتیجه رسیده‌ام که برای آسوده زستن باید تنها زندگی کنی و در زوایای پنجره‌ات را بگیری تا نکند هوای دنیا به تو برسد.» البته در دنیای فعلی شاید سواى این در به روی دنیا بستن، لازم می‌شد گوشه هوشمند و مودم اینترنت را هم از پنجره به بیرون پرتاب می‌کرد! فلوربر به‌شدت از دنیا دل‌زده بود. با آن هیکل درشت، سبیل‌های